

فَاصْبِرْ وَا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَكِيمِينَ ۸۷

* باز صبر کنید حتی کند حکم الله بین شما. و اوست بهترین حاکمین

قَالَ اللَّهُ أَلَا الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمٍ لَنُخْرِجَنَّكُمْ لِشَعِيبٍ

گفت ملاء کسان متکبر از قومش، میکنیم خارجت یاشعیب

وَالَّذِينَ أَمْنَوْا مَعَكَ مِنْ قَرِيْبَتِنَا أَوْ لَكَتُوْدُنَّ فِي مِلْتِنَا قَالَ

و کسان با یمان معیتی ترا از قریه خود یا میکنید عودت در ملت ما. گفت

أَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي

ولو داشته باشیم کراهیت ؟ * کرده میباشیم افترا بر الله دروغی گرعودت کنیم در

مِلَكَتُكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا طَوَّافَ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نُعُودَ

ملت شما بعد آنکه نجات داد مارا الله ازان. و نیست شایسته بر ما که ما عودت کنیم

فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهَا طَوَّافَ

در آن إلا که خواهد الله رب ما. و سعت دارد رب ما بر کل شيء علماء.

۱) فتح ده: حکم صادر کن.

عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا طَرَبَنَا افْتَرَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ

بر الله توکل میکنیم. رب ما فتح ده^۱ بین ما و بین قوم ما به حق و

أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ^{۸۹} وَقَالَ الْمَلَائِكَةُ كَفَرَ وَامْنَ قَوْمِهِ لَكِنْ

توئی بهترین فتح دهنگان * و گفت ملاء کسان کافر از قوم او، اگر

اَبْعَلْتُمْ شُعَيْبًا اِنْكُمْ اِذَا الْخِسْرُونَ^{۹۰} فَاخْذُ تَهْمَمُ الرَّجْفَةُ

متابعت کردید بشعیب یقیناً شما هستید خساره مندان * کرد اخذ آنها جنبش

فَاصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِيلِينَ ﴿٩١﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا

و صبح آن در دیار خود رفتند بزانو * آنانکه کردند تکذیب شعیب را گویا که

لَمْ يَغْنُوا فِيهَا أَلَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَسِيرُونَ ﴿٩٢﴾

* نبردند بهره آنجا. آنانکه کردند تکذیب شعیب را شدند خود خساره مندان

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ وَقَالَ يَقُولُ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسْلِي وَنَصَحْتُ

روگرداند از آنها و گفت یا قومم بس ابلاغ کردم بشما رسالت ربمرا و نصیحت کردم

لَكُمْ فِي كُلِّ أُسْلَمٍ^{٩٣} وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ

بـشـما. چـطـور اـندـوه کـنم بـر قـوم کـافـران * و نـکـرـدـیـم اـرسـال مـا در قـرـیـه

مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخْذَنَا أَهْلَهَا بِالْبُأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ

کـدام نـبـی إـلا مـآـخذـه کـرـدـیـم اـهـلـآـنـرا در سـخـتـی و ضـرـرـ برـای اـینـکـه

يَهُرُونَ^{٩٤} ثُمَّ بَلَّتْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا

کـنـنـد تـضـرـع ^١* باـزـ بـدـلـ کـرـدـیـم مـکـان بـدـیـ رـا بـهـ نـیـکـوـئـی حتـیـ عـفـوـشـدـه وـ گـفـتـنـد

١) تضرع پیش الله عبادت است. [هوس دماغ شاهی چه خیال دارد اینجا بقلک فرو نیاید سر کاسه ئ گدایت]

قَدْ مَسَّ أَبَاءَنَا الضَّرُّ أَوِ السَّرَّاءُ فَأَخْذُلُهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

البته مس كرد آباء مارا ضرر و سرور - كرديم اخذ آنهارا ناگهان و آنها

لَا يَشْعُرُونَ^{٩٥} وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ إِنْوَأَ وَاتَّقُوا الْفَتْحَنَا عَلَيْهِمْ

نداشتند شعور * و اگر که اهل قراء مياور دند ايمان و ميكري دند تقوا ميکشوديم برآنها

بَرَكَاتٌ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كُلُّ بُوَا فَأَخْذُهُمْ بِمَا كَانُوا

برکات را از سماء و زمين و لakan تکذيب کردن پس اخذ کرديم آنهارا برآنچه همواره

يَكْسِبُونَ^{٩٦} أَفَأَمْنَ أَهْلُ الْقُرْبَىٰ أَنْ يَأْتِيهِمُ بِأُسْنَابِيَّاتٍ وَهُمْ

میکردند کاسب * آیا ایمن اند اهل قراء اگر آید برآنها عذاب ما شبانگاه و باشند آنها

نَأْمُونَ^{٩٧} أَوْ أَمْنَ أَهْلُ الْقُرْبَىٰ أَنْ يَأْتِيهِمُ بِأُسْنَاضُحَىٰ وَهُمْ

بحواب. * آیا ایمن اند اهل قراء اگر آید برآنها عذاب ما سحرگاه و باشند

يَلْعَبُونَ^{٩٨} أَفَأَمْنُوا مَكْرُ اللَّهِ فَلَا يَأْمُنُ مَكْرُ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ

در لعب * آیا ایمن اند از مکر الله. نپندارد ایمن ازمکر الله إلا قوم

الْخَسِرُونَ ﴿٤﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّهِ مَنْ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ

خساره کار * آیا نیست هدایت بکسان زمین از بعد وارت

أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبَّنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطَبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ

اهل آن، اگر خواهیم میکنیم مصاب آنها را بگناهانشان. و میگزاریم مهر بر قلبها یشان

فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤٠﴾ تِلْكَ الْقَرְى نَقْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَابِهَا

باز آنها نمیتوانند بشنوند * اینست از اخبار آن.

وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا إِلَّا يُؤْمِنُوا هُمَا كَذَّبُوا

و البته آمد برایشان رُسل آنها با بیانات. نیاوردن ایمان آنچه را تکذیب کردند

مِنْ قَبْلِكُلَّمَا كَذَّلَكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكُفَّارِ^{١٠١} وَمَا وَجَدُنَا

از قبل. اینطور میکندمهر الله بر قلب‌های کافران * و نه یافتیم

لَا كُثُرَهُمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَسِقِينَ^{١٠٢} ثُمَّ

در اکثر آنها کدام عهدی. واينکه یافتیم اکثر آنها را فاسقین * باز

بَعْثَنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُّوسَىٰ يَا يَتَّبَعُ إِلَيْ فِرْعَوْنَ وَكَلَّا لِهِ فَظَلَمُوا

بعث کردیم از بعد آنها موسی را با آیات خود برای فرعون و ملایانش مگر ظلم کردند

بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ^{١٠٣} وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنَ

برآن. بکن نظر چطور بود عاقبت مفسدین * و گفت موسی یا فرعون

إِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{١٠٤} حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَىٰ

منم رسول از جانب رب العالمین * حقيق ام برا آنکه نمیگویم بر

اللَّهُ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جَعَلْنَاكُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ

الله إلا حق. اينك آمدم بشما با بيانیه از رب شما که بکن ارسال همراهیم

بَنِي إِسْرَائِيلَ ۖ قَالَ إِنْ كُنْتَ چَدُّتِ بِإِيمَانِ فَأُتِ بِهَا إِنْ

بنی اسرائیل را. * گفت اگر تو آمده ؓئی با آیتی پس بیار آنرا اگر

كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۚ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعبَانٌ مُّبِينٌ^{١٦٦}
جَطَّ^{١٦٧}

* هستی از صادقین * وانداخت عصایشرا آنگاه آن شد ثعبان^۱ مبین

۱) ثعبان: مار طویل و ضخیم، اژدها.

وَنَزَعَ يَكَهْ فَإِذَا هِيَ بِيَضَاءٍ لِلظَّرِينَ^{١٠٨} قَالَ الْمُلَائِكَةُ مِنْ قَوْمِ

و نزع^۱ کرد دستشرا و آنگاه آن شد بیضاء^۲ برای ناظرین * گفتند ملاع از قوم

فَرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا سَاحِرٌ عَلِيمٌ^{١٠٩} يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ

فرعون يقیناً اینست ساحر علیم * اراده دارد که خارج کند شمارا از

أَرْضِكُمْ فَبَذَّا تَأْمُرُونَ^{١١٠} قَالُوا أَرْجِهُ وَآخِهُ وَأَرْسِلْ فِي

زمین شما. پس چه میکنید امر * گفتند معطل کن او را و برادرش را و ارسال کن در

۱) نزع: بیرون کشیدن، خارج کردن. ۲) بیضاء: سفید، درخشان.

الْمَدَّ آئِنْ حُشِرِينَ ۝ يَا تُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلَيْهِ ۝ وَجَاءَ السَّحَرَةُ

شهرها حشر کند گان را * تا بیارند برایت کل ساحران علیم را * و آمدند ساحران

فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّا لَكَ جُرَاحُونَ كُنَّا نَحْنُ الْغُلَمَيْنَ ۝ قَالَ نَعَمْ

نzd فرعون گفتند لابد مارا باید اجری اگر شدیم مايان غالیین * گفت بلى

وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ ۝ قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا أَنْتُمْ تُلْقَى وَإِنَّا

و می باشید از جمله مقربین * گفتند يا موسی آیا که میاندازی و يا

أَنْ يَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِيْنَ ﴿١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ

که شویم ما پرتاب کنندگان * گفت بیاندازید. چون انداختند سحر کردند چشمان

النَّاسُ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاءُو بِسُحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١٦﴾ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى

مردم را و ترساندند آنها را و آوردند سحری عظیمی * و وحی کردیم برای

مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلَقَّفُ مَا يَا فِكُونَ ﴿١٧﴾ فَوَقَعَ

موسی که بیانداز عصایترا. همانا میکند غورت همه فریب آنها را * واقع شد

الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ فَغُلِبُوا هُنَّا لَكَ وَأَنْقَلَبُوا

حق و باطل شد همه آن اعمال آنها * شدند مغلوب همانگاه و برگشتند

صَغِيرِينَ ﴿١٩﴾ وَالْقُوَى السَّحَرَةُ سَجَدُوا ﴿٢٠﴾ قَالُوا أَمْتَأْبِرُ ربِ الْعَالَمِينَ ﴿٢١﴾

صغریان * و افتیدند ساحران سجده کنان * گفتند ایمان آور دیم برب العالمین *

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ أَمْتَثِمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ

رب موسی و هارون * گفت فرعون ایمان میآورید به او قبل آنکه

اَذْنَ لَكُمْ اِنَّ هَذَا الْكَرُّمَكَوْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا

اذن دهم بشما. یقیناً اینست مکری که مکر کردید شما در شهر که خارج کنید از آن

اَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ لَا قَطِعَنَّ اَبْدِيلَكُمْ وَآرْجُلَكُمْ

اهل آنرا. و زود میآید علم شما * میکنم قطع دستهای شمارا و پاهای شمارا

مِنْ خِلَافِ ثُمَّ لَا صَلِيبَكُمْ اَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا

از سمت مخالف باز میکنم صلیب شمارا * گفتند ما سوی رب خود

مُنْقَلِبُونَ^{١٢٥} وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ أَمْكَأْنَا بِإِيمَانِ رَبِّنَا لَهَا جَاءَتِنَا طَ

بر میگردیم * و نمیگیری انتقام ازما الا که ایمان آور دیم برآیات رب خود وقتی رسید بما.

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبَرْأَ وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ^{١٢٦} وَقَالَ الْمَلَائِمُ

رب ما عنایت کن برما صبر و وفات کن مارا مسلمین * و گفت ملاء از

قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرْ رَمُوسِيَ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ

القوم فرعون آیا میگذاری موسی و قومشرا تا کنند فساد در زمین و

يَذَرُكَ وَالْهَنَّاكَ قَالَ سَنُقْتَلُ أَبْنَاءُهُمْ وَسَتُحْشَى نِسَاءُهُمْ

ترک کنند ترا و خدایان ترا. گفت می کنم قتل پسران آنها را و می گذارم حیات نساء آنها را

وَإِنَّا فَوْقُهُمْ قَاهِرُونَ^{١٣٧} قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ

و هستیم فوق آنها قاهران^۱ * گفت موسی بقومش استعانت جوئید از الله و

اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ

صبر کنید. یقیناً زمین است از الله. میکند وارت آن هر کرا خواهد از عبادش. و

۱) قاهر: دارای غلبه، زور، تسلط، قوت.

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٢٨﴾ قَالُوا أَوْذِنَا مِنْ قَبْلٍ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ

عقبت است از متقيان * گفتند اذيت شدیم^{۱)} از قبل آنکه بیائی بما و از

بَعْدِ مَا جَعَلْنَا طَّالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُصْلِكَ عَدُوَّكُمْ

بعد آنکه آمدی بما. گفت شاید رب شما کند هلاک دشمن شمارا

وَيَسْتَخْلِفُكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيُنْظَرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَ لَقَدْ

و کند خلیفه شمارا در زمین تاکند نظر چسان میکنید عمل * و البته

۱) دوبار اذيت شدیم: یکی وقت تولدت و دیگر وقتیکه پیغام آوردی.

أَخْذَنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّينِيْنَ وَنَقْصٍ مِّنَ الشَّهَاتِ لَعَلَّهُمْ

اخذ کردیم آل فرعون را به قحطی و نقص در ثمرات تاکه آنها

يَدَكُرُونَ^{١٤٣} فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحُسْنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ

شوند متذکر * هرگاه میرسید آنها را حسن، میگفتند بشان ماست اینهمه. و اگر

تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةً يَطْبَرُوا بِمُؤْسِى وَمَنْ مَعَهُ الْأَنْمَاطِ طِرْهُمْ

میشد نصیب آنها بدی، میشمردن از طایر^۱ موسی و از معیت او. بدانید یقیناً طائر آنها

۱) طایر: پرنده، مرغ بخت، شگون.

عِنْدَ اللَّهِ وَلَا كُنَّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^(١٣١) وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا

نzd الله است و لاكن اکثرآنها ندارند علم * و گفتند هرقدر آری بما

بِهِ مِنْ أَيَّتِهِ لِتُسْحِرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ^(١٣٢)

* برآن کدام نشانه تا کنی سحر مارا با آن نمی گردیم ما برتو مؤمنان

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الظُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِ

پس ارسال کردیم برآنها طوفان را و جراد را^۱ و قمل را^۲ و ضفادع را^۳

۱) جراد: ملخ و انواع آن در خشکه و آب. ۲) قمل: شپش و انواع آن مثل کیک وغیره. ۳) ضفادع: غوک و حیوانات مثل آن.

وَاللَّهُ مَرَايْتِ مُفْصَلَاتٍ قَفَّا سُتَّكُبُرُوا وَكَانُوا قَوْمًا حُجْرَمِينَ^{۱۳۲}

* و خون را نشانه ها با تفصیلات.^۱ مگر تکبر کردند و بودند قوم مجرمان

وَلَهَا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَمُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ إِنَّمَا

وقتی واقع شد برآنها آفت گفتند یا موسی دعا کن برای ما به رب برآنچه

عِهْدَ عِتْدَكَ لَكِنْ كَشْفَتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنَعْلَمْنَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ

عهد کرده بتو. اگر دور کنی ازما آفت را میاوریم ایمان بتو و میکنیم ارسال

۱) مکروب طاعون از خون یک شخص به سلسله کیک و موش به شخص دیگر سرایت میکند.

مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۚ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ
١٣٤

معیت تو بنی اسرائیل را * وقتی کشودیم از آنها آفت را تا

أَجَلٌ هُمْ بِالْغُوْهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ۚ فَانْتَقَبَنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ
١٣٥

اجل ایشان برسند، آنگاه آنرا میشکستند * گرفتیم انتقام از آنها و غرق کردیم آنها را

فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا عَفِلِينَ ۖ
١٣٦

* در دریا برای اینکه آنها تکذیب کردند آیات مارا و بودند از آن غافل

وَأُولَئِنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ

و وارت ساختیم قومی را، آنانکه بودند ضعیف کرده شده، بر مشارق زمین

وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَبَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى

ومغارب آن - همانکه برکت کردیم در آن. و اتمام شد کلمه رب تو به احسن

عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ لَهُمَا صَبَرُوا وَدَمِنُوا مَا كَانُوا يَصْنَعُ

بر بنی اسرائیل چون صبر کردند. و تباہ کردیم آنچه همواره میکرد صنع

فِرْعَوْنُ وَ قَوْهُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ^(١٣٧) وَ جَاءُونَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ

فرعون و قومش و آنچه میکردند بنا عرش ها * و جواز دادیم برای بنی اسرائیل

الْبَحْرَ فَاتَوْا عَلَى قَوْمٍ لَّمْ يَعْلَمُوْنَ عَلَى أَصْنَامِ رَهْمَةٍ قَالُوا

از بحر تا آمدند بر قوم عاکف^۱ بر اصنامی که داشتند. گفتند

إِنَّمَا إِلَهُكُمْ أَنْجَلُوكُمْ فَقَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ

یا موسی اجعل لنا إله کما لك الله قال إنكم قوم

۱) عاکف: کناره گیر برای عبادت. ۲) اصنام: بت ها. (صنم)

١٣٦) تَجْهَلُونَ إِنَّ هُوَ لَا يَمْتَرِرُ فَإِنَّهُمْ فِي رِّيَاءٍ وَّبَطْلَانٍ قَاتَّا كُنُودًا يَعْمَلُونَ

جهالت کار * یقیناً اینها اند برباد برآنچه دوچارند و باطل است آنچه میکردند عمل*

١٤٠) قَالَ أَغَيْرُ اللَّهِ أَبْغِيَكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَلَّكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

* گفت آیا غیر الله جویم بشما إله و او فضیلت داد شمارا بر عالمیان

وَإِذَا أَجْيَنَكُمْ مِّنْ أَلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

وچون دادیم نجات شمارا از آل فرعون، میکردند بدی بشما بدترین عذاب،

يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيُسْتَحْيَونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ

میکردن قتل پسران شمارا و میماندند حیات دختران شمارا. و درین بود آزمایشی از

رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤﴾ وَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَآتَيْنَاهَا

رب شما بس عظیم * و وعده کردیم بموسى سی شب و اتمام کردیم آنرا

بِعَشْرِ فَتَهٖ مِيقَاتٍ رَبِّهٗ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِرَبِّهِ

با ده، پس تمام میقات رب او شد چهل شب. و گفت موسی به برادرش

هَرُونَ أَخْلَفَنِي فِي قَوْمٍ وَأَصْلَحَهُ وَلَا تَتَبَعِّدْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ^(٤٤)

* هارون، بشوش خلیفه ام بر قوم و بکن اصلاح و نکن متابعت سبیل مفسدان را

وَلَهَا جَاءَ مُوسَى لِيُقَاتِلَنَا وَكَلَّهُ رَبِّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ

و وقتی آمد موسی بمیقات ما و تکلم کرد با او رب او گفت ربم بنما بمن نظر کنم

إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَنِي وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقْرَرَ

بتو. گفت نتوانی بینی مرا و لakan نظر کن بسوی کوه که اگر مستقر ماند

۱) توبه کردم به تو: رو آوردم بتو

مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَىٰ فَلَمَّا تَجَلَّ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَّا

بمکانش باز می توانی دیده مرا. وقتی تجلی کرد رب او برکوه ساختش پاشان

وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ

و افتاد موسی بیهوش. وقتیکه آمد بحال گفت سبحان تو، توبه کردم بتو^۱

وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَ يَمُوسَى إِنِّي أُصْطَدِفُ إِنِّي عَلَىٰ

و منم اول از مؤمنین * گفت يا موسی من بر گزیده ام ترا بر

النَّاسِ بِرِسْلِتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا أَتَيْتَكَ وَكُنْ مِّنَ

مردم با رسالاتم و کلامم. بکن اخذ آنچه میدهمت و باش از

الشَّكِيرِينَ^{٤٤} وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأُولَاهِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً

شاکرین * و مکتوب کردیم به او در الواح از کل شیء موعظه

وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْ هَايْقُوَّةَ وَأُمُرْ قَوْدَكَ يَا خُذْ وَا

و تفصیل کل شیء. بکن اخذ آنرا بقوت و بکن امر قومترا که اخذ کنند

بِأَحْسَنِهَا طَسَّا وَرِيَكُمْ دَارَ الْفَسِيقِينَ^(٤٥) سَأَصْرِفُ عَنْ أَيْتَىٰ

احسن آنرا. بازنشان میدهیم بشما دار فاسقان را * میکنیم منصرف از آیات خود

الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بَغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ

آنانکه میکردند تکبر در زمین بغیر حق. و اگر بیینند کل

أَيْتَ لَا يَوْمَ نُؤْمِنُ بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَخَذُونَهُ

نشانه هارا نمیآورند ایمان برآن. و اگر بیینند نمیکنند اتخاذ آنرا

سَبِيلًاجَ وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيْرِ يَتَخَذُونَهُ سَبِيلًا طَذِلَكَ

سبيل. و اگر ببينند سبيل کج را ميكنند اتخاذ آنرا سبيل. اينطور

لَا نَهُمْ كَذَّابُوا بِآيَتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ٤٦ وَالَّذِينَ

چون آنها تکذيب کردند آيات مارا و بودند ازان غافلان * و کسانیکه

كَذَّابُوا بِآيَتِنَا وَلِقاءُ الْآخِرَةِ حَبَطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُحْزِنُونَ

تکذيب کردند آيات مارا و لقاء آخرت را، برباد شد اعمال آنها. آيا شوند جزا

إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٧﴾ وَ اتَّخَذَ قَوْمٌ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ

إلا آنچه بود اعمال آنها * و اخذ کرد قوم موسی از بعد او از

حُلِّيهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوارٌ الَّمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ

زيورات^۱ خود گو ساله که جسد آن بود خوار.^۲ آیا نمیدیدند که او نتواند تکلم با آنها

وَ لَا يَصْدِرُّهُمْ سِبِيلًا مِنْ تَخْلُوهُ وَ كَانُوا أَظَلِيلِينَ ﴿٤٨﴾ وَ لَئِنْ

ونتواند هدایت آنها را بسبیلی. کردند اخذ آنرا و بودند ظالمان * وقتیکه

۱) زیورات: وسائل لطیف ساختمانی. ساعتها از روی نگین درجه میشدنند. ۲) خوار: مانند گاو آواز میکشد.

سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَكُمْ لَمْ

"سقوط یافت بدستهای آنها"^۱ و دیدند که آنها بس گمراه اند، گفتند اگر نه
يَرْحَمُنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرُنَا لَنَا كُونَنَّ مِنَ الْخَسِيرِينَ^(٤٩) ولئنارجع

کند رحم بما رب ما و نکند مغفرت مارا میگردیم از خساره مندان * وقتی رجعت کرد

مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضِبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَهَا خَلْفَتُمُونِي

موسی نزد قوم خود غضبان و متأسف گفت بد بودآنچه در خلفم کردید

۱) اصطلاح است: دست بهم سودند از پشیمانی یا دست بر زمین زدند بافسوس یا دست خالی بر آمدن.

مِنْ بَعْدِيْ اَعْجَلْتُمْ اَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْاَلْوَاحَ وَأَخَذَ

از بعد من. آیا عجله داشتید به امر رب خود. و انداحت الواح را و گرفت

بِرَأْسِ اَخْيَلِيْ مَجْرِيْهِ اِلَيْهِ قَالَ ابْنُ اُمَّرَاءِ الْقَوْمِ اسْتَضْعَفُونِيْ

از سر برادر خود، کشانیدش بخود. گفت پسر مادرم اینک قومم کردند ضعیف مرا

وَكَادُوا يَقْتُلُونِيْ فَلَا تُشْتِمِتِيْ بِالْاَعْدَاءِ وَلَا تُجْعَلِنِيْ مَعَ

ونزدیک بود کنند قتل مرا. پس نکن شادمان برمن دشمنان را و نگردان مرا از جمله

الْقَوْمُ الظَّلِيمُونَ^{١٥٠} قَالَ رَبِّي اغْفِرْ لِي وَلَاخْيَ وَادْخِلْنَا فِي

القوم ظالم * گفت ربم بکن مغفرت مرا و برادرم را و بکن داخل مارا در

رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^{١٥١} إِنَّ اللَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

رحمت و توهستی أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. * يقیناً کسانیکه میگیرند عجل^۱ را،

سَيِّدَنَا هُنْ غَضَبٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْجَوَاهِيرِ اللُّذِيَا وَكَذِيلَكَ

می شود نائل برآنها غضب از رب آنها و ذلت در حیات دنیا. و همین طور

۱) عجل: گوساله یا هیكل آن برای پرستش. "عجل" امروز (ARTIFICIAL INTELLIGENCE)، پول وغیره.

نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ^(٥٣) وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ

دهیم جزا افترا کنندگان را * و کسانیکه اعمال بد میکنند باز توبه میکنند از

بَعْدِهَا وَأَمْنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ أَعْلَمِ الْغَفُورِ رَحِيمٌ^(٥٤) وَلَهَا

بعد آن و ایمان میآورند یقیناً رب توست از بعد آن غفور رحیم * وقتی

سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاهَ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} وَ فِي نُسُختِهَا

سکوت کرد از موسی غضب، گرفت الواح را و در نسخه های آن

هُدَىٰ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ^{١٥٤} وَأَخْتَارَ مُوسَىٰ

هدایت است و رحمت بکسانیکه هستند از رب خود بترس * و اختیار کرد موسی

قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا آتَخَذَ تَهْمُمُ الرَّجُفَةِ قَالَ

از قومش هفتاد مرد را بمیقات ما. وقتیکه اخذ کرد آنها را تکان گفت

رَبِّ لَوْشِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلٍ وَإِيَّاَيَ أَتَهْلِكْنَا مَا فَعَلَ

ربم اگر میخواستی میکردی هلاک آنها را از قبل و مرا هم. آیامیکنی هلاک مارا به فعل

السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فُتُنُكَ تُخِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ

سفهاء ازما. نیست این الا آزمایش تو. گمراه کنی به آن هر کرا خواهی و

تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيَنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرٌ

کنی هدایت هر کرا خواهی. توئی ولی ما، مغفرت کن مارا و رحم کن بربما و توئی بهترین

الْغَافِرِينَ ﴿٦﴾ وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هُذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّ فِي الْآخِرَةِ

مغفرت کندگان * و مکتوب کن بما در همین دنيا حسنہ و در آخرت

إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَزَّ أَبِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءَ وَرَحْمَتِي

ما هدایت شدیم بسویت. گفت عذابم را، میکنم نصیب آنرا هر کرا خواهم. و رحمتم

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ طَفَّالَكُتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَقَوَّنَ وَبُؤْتُونَ الزَّكُوْنَةَ

و سعیت دارد بر کل شیء. زودمی نوسم آنرا به آنانکه دارند تقوا و میدهند زکات

وَالَّذِينَ هُمْ بِاِيمَانِنَا يُؤْمِنُونَ^{١٥٦} الَّذِينَ يَتَبَعِّعُونَ الرَّسُولَ

و آنانکه هستند بر آیات ما میکنند متابعت رسول

*

مؤمنان

آنانکه

میکنند متابعت

رسول

الَّتِي أَرْسَى اللَّذِي يَجْدُونَهُ مَكْتُوبًا عَنْهُمْ فِي التَّوْرَاةِ

نبی امی را، که می یابند او را مکتوب نزد خود در تورات
وَالْأَنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهِيَّهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

و انجیل، میکند امر آنها را به معروف و میکند نهی آنها را از منکر و
يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحِرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَثَ وَيَضْعُمُ عَنْهُمْ

میکند حلال به آنها پاکی هارا و میکند حرام به آنها خبائث را و میکند دور از آنها

إِنَّهُمْ وَالْأَغْلَلُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ أَنْوَابُهُمْ وَعَزَّزُوهُ

مشکل آنها را و غلیده هایکه هست برآنها. پس کسانیکه میآورند ایمان براو و عزت

وَنَصْرُوهُ وَاتَّبِعُوا التُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أَوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^{١٥٧}

و نصرت میدهند اورا و میکنند متابعت نوریکه شده نازل بروی، آنها اند فلاخ یافتنگان. *

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا إِنَّمَا لَهُ

بگو يا اي مردم منم رسول الله بشما جميعاً از آنکه ازاوست

مَلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِنْتُمْ

پادشاهی سماوات و زمین. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ دهد حیات و دهد موت، آرید ایمان

بِاللهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأَرْحَمِ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللهِ وَكَلِمَتِهِ

به الله و رسول او، نبی امی که دارد ایمان بر الله و کلماتش

وَالْتَّبَعَةُ لَعَلَّكُمْ تَهتَدُونَ^{١٥٨} وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَى أُمَّةٌ يَهُدُونَ

و کنید متابعت او را تاکه شوید هدایت * و از قوم موسی امتی میکند هدایت

(١) استسقاء: درخواست آب.

الاعراف ٧

قال الملا ٩

منزل ٢

بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ^{٦٩} وَقَطَعْنَاهُمْ أَثْنَتِي عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَّةً^{٤٠} وَ

برحق و بروفق او ميکنند عدل * و کردیم قطعه آنهارا بدوازده قبیله ها و امتها. و

أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذَا سَقَهُ قَوْمُهُ كَمَاٰ اضْرِبْ بِعَصَاكَ

کردیم وحی برای موسی؛ وقتی کرد استسقاء^(١) ازاو قوم او، که بزن با عصایت

الْحَجَرِ فَانْجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أَنَّاسٍ

حجر را . پس جست ازان دوازده آنگاه معلوم شد بكل مردم چشمها.

مَشْرِبَهُمْ وَظَلَّلُنَا عَلَيْهِمُ الْغَيَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ

مشرب آنها. و سایه کردیم برآنها ابر را و نازل کردیم برآنها من و

السَّلَوَى طَكُلُوا مِنْ طَيْبَتِ مَارِثَةِ قَنْكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكُنْ كَانُوا

سلوارا.^۱ بخورید از پاکی‌ها آنچه رزق دادیم بشما. و نکردند ظلم برما ولاکن بودند

أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^{٦٠} وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ أُسْكِنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا

بنفسهای خود ظلم کنندگان* وقتی گفته شد به آنها کنیدسکونت دراین قریه و بخورید

۱) من و سلوا: مرغ آسمانی و خوراک دشتی.

مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حَسْلَةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجْدَةً اَغْفِرْ

از آن طوری خواهش خود و بگوئید "ببخشا" و شوید داخل در بسجده، کنیم مغفرت

لَكُمْ خَطِئَاتِكُمْ سَتَرِيْلُ الْمُحْسِنِيْنَ^(١٤) فَبَدَلَ اللَّذِينَ ظَلَمُوا اَصْنَامُ

بشما خطاهای شمارا. می کنیم از دیاد بر محسینین * مگر بدل کردند کسان ظالم آنها

قُولَأَغَيْرَ الدِّرْيِ قِيلَ لَهُمْ فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ

قول را، غیر آنچه گفته شده بود به آنها، پس ارسال کردیم برآنها آفت را از سماء

بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿٦٦﴾ وَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْقُرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً

چون بودند ظلم کنندگان* و بکن سؤال آنهارا از قریه که بود بحضور

الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبُّتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبِّتِهِمْ

بحر . چون میگذشتند از سبت ؛ آنگاه میآمد به آنها ماهی هایشان بروز سبت آنها

شَرَّاعًا وَ يَوْمًا لَا يَسِّيْطُونَ لَا تَأْتِيهِمْ مُّخْكِذًا لَّكَ خَبْلُهُمْ بِمَا كَانُوا

آشکارا و روز بدون سبت نمی آمد برایشان . چنین ! کردیم امتحان آنهارا چون بودند

يَسْقُونَ^{١٤٣} وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لَمْ تَعْظُمْنَ قَوْمًا لَا إِلَهُ

فسق کند گان^۱* وقتی گفت امتی از آنها چرا میکنید وعظ بقومیکه الله
مُهْلِكُهُمْ أَوْ مَعِنْ بُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّهِمْ

هلاک میکند آنها را یا عذاب میکند آنها را عذاب شدید. گفتند معذراتی نزد رب شما

وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ^{١٤٤} فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِرَ وَآبَهُمْ أَنْجَبْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ

و شاید بکنند تقوا * چو کردند فراموش آنچه ذکر شده بودند بر آن، نجات دادیم آنانرا که میکردند نهی

۱) باحیله ماهی ها را بروز شنبه بحضور ها قید کرده فردا شکار میکردند. مرام سبت امن و آسایش برای همه جانوران بود.

عَنِ السُّوءِ وَأَخْلَقُنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَيْسِيسٍ إِنَّمَا كَانُوا

از بدی و اخذ کردیم کسان بعذاب ظالم را بدترین چون بودند

يَعْسُقُونَ^{١٤٥} فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُوْنُوا قِرْدَةً

فسق کنندگان* وقتی سرکشی کردند از آنچه نهی شده بودند گفتیم آنها را شوید میمونان^۱

خَالِسِينَ^{١٤٦} وَإِذْ تَأْذَنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

بس ذلیل * و چون اذن کرد ربت که مکنیم بعث عليه آنها الى یوم قیامت

۱) میمون: بوزینه، شادی. (حیوانیکه بدون فهمیدن مقصد، حرکات را تقلید میکند)

مَنْ يَسُوْمُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ

آنراکه برنجاند آنها را بیدترین عذاب. یقیناً رب توست سریع العقاب. و

إِنَّهُ لَغَفُورٌ سَرِيعٌ وَقَطَعَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّا مِنْهُمْ

یقیناً اوست غفور رحیم * و قطع کردیم آنها در زمین به امت ها. از آنها اند

الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَلَكُونُهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ

مردمان صالح و از آنها اند آن. و امتحان کردیم آنها را با حسنات و دشواری

لَعْلَهُمْ يَرْجِعُونَ^{١٦٨} فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ

تاشايد کنند رجعت * باز خلف شد از بعد آنها خلف که میراث بردن کتاب را

يَا خُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنِي وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ

میکردند اخذ عارض^۱ این ادنا را و میگفتند میشود مغفرت برمایند. و اگر

يَا تِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهِ يَا خُذُونَهُ أَمْ يُؤْخَذُ عَلَيْهِمْ مِيشاق

میآمد برایشان عارض مثل آن می گرفتند آنرا. آیا نگرفته بودیم از آنها میشاق

(۱) عارض : متاع، رویداد، اتفاقاً

الْكِتَبِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ طَوْ

كتاب را که نگوئید بر الله إلا حق و درس گیرید آنچه درآنست. و

الَّذِي أَرَى الْأُخْرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ طَآفَّا تَعْقِلُونَ ١٤٩ وَالَّذِينَ

دار آخرت است بهتر برای کسان با تقوا. "چرا نمیکنید تعقل" * و آنانکه

يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ طَإِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ

میکنند تمسک بر كتاب و قائم میدارند صلات را. یقیناً ما نکنیم ضایع اجر

الْمُصْلِحِينَ ١٦٠ وَإِذْ نَتَقَوَّنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَانَةُ ظُلْلَةٌ وَظَنَوْنَا

مصلحین را * و چون تکان دادیم کوه را فوق آنها، بمثیل سایه بان، و گمان کردند

أَنَّهُمْ وَاقِعٌ بِهِمْ خَلٌ وَمَا أَتَيْنَاهُمْ بِقُوَّةٍ وَإِذْ كُرْوا فَإِنَّهُمْ لَعَلَّكُمْ

که آناً میشود واقع برآنها. "بگیرید آنچه میدهیم بشما بقوت و کنید ذکر آنچیست در آن تا

تَكَوُّنَ ١٧٠ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ضُوْرِهِمْ ذُرِّيَّاتِهِمْ

باشید باتقوا" * وقتی اخذ کرد رب تو از بنی آدم از پشت های آنها اولادهای آنها را

وَأَشْهَدُهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَسْتُبْرِكُمْ قَالُوا بَلْ نَحْ شَهِدُنَا

وساخت شاهد آنها بر نفسهای آنها: "آیا نیستم رب شما؟" گفتند بلی! شاهد هستیم!

أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿٧٣﴾

* تا (نه) گوئید یوم قیامت که ما بودیم از این غافل^۱

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْشَرَكَ أَبَاوْنَا مِنْ قَبْلِ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ

یا بگوئید یقیناً شرك کرد آبای ما از قبل و بودیم اولاده از

۱) کس نمیتواند دریغ کند که الله حق پروردگار اوست.

بَعْدِهِمْ أَفْتَهُلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ^{١٧٣} وَكَذَلِكَ نُفَحِّلُ

بعد آنها. آیا میکنی هلاک مارا برآنچه فعل کرد باطلان * واين چنین میدهیم تفصیل

الْأَبْيَتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^{١٧٤} وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي أَتَيْنَاهُ

آیات را تا شاید کنند مراجعت * و تلاوت کن برآنها خبر آنرا که دادیم اورا

أَيْتَنَا فَأَنْسَلْنَاهُ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغُوَيْنَ^{١٧٥}

آیات خودرا مگر برآمد از آن پس تابع ساخت اورا شیطان وشد از گمراهان *

وَلَوْ شِئْنَا لَرْفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَهُ

واگر میخواستیم میکردیم بلند اورا به آن و لakan او خلد کرد در زمین و تابع شد

هَوَاهُ فَيَشَأْلُهُ كَمَثَلُ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهُثُ أَوْ

هوای خودرا. مثال اوست بمثل سگ^۱. اگر حمله کنی براو میکند لهث یا

تَرْكُهُ يَلْهُثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

تکذیب کردند آیات مارا.

قومیکه

کنی ترکش میکند لهث. این است مثال

(۱) سگ دیوانه (HYDROPHOBIA) داشته لهث میکند (زبانش بیرون، آب دهنش جاری، نفسک میزند)

فَاقْصِصُ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^{١٧٤} سَاءَ مَثَلًا إِلَّا قَوْمٌ

پس قصه کن قصه هارا برای اینکه کند فکر * بد است مثال قومی

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ^{١٧٥} مَنْ يَهْدِ

که تکذیب کردند آیات مارا و بنسهای خود بودند ظلم کندگان * هر کرا کند هدایت

اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيٌّ وَمَنْ يُضْلِلُ فَإِلَيْكَ هُمُ الْخَسِرُونَ^{١٧٦}

الله پس اوست هدایت شده. و هر کرا کند گمراه پس آنها هستند خساره مندان *

وَلَقَدْ ذَرَانَ الْجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ

و البتہ آفریدیم برای جهنم کثیر از جن و انس را. آنها راست قلب های که

لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبَصِّرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذْانٌ

نمی فهمند با آن. و آنها راست چشمانیکه نمی بینند با آن. و آنها راست گوشها

لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمْ

که نمیشنوند با آن. آنها هستند مانند چهارپایان بلکه هستند گمراه تر. آنها هستند

الْغَفِلُونَ ١٧٩ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا صَوْدَرُوا

غافلان * وا زال الله است اسماء الحسنی کنید دعا اورا به آن و بگذارید

الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ لَمْ يُجْزِوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٨٠

آنرا که میکنند الحاد^۱ در اسماء او. میشوند جزا آنچه بود اعمال آنها *

وَمِنْ خَلْقَنَا أُمَّةٌ يُهَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ١٨١ وَالَّذِينَ

وا ز آنانکه خلق کردیم امتی میکنند هدایت بحق و بر آن میکنند عدل * و کسانیکه

۱) ملحد: منکر از وجود الله، کافر، تکذیب کننده حق، مخالف حق، کج رفتار.

كَذَّبُوا إِيمَانَنَا سُتُّدْ رُجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ^{١٨٤} وَأَمْلَأْ

تکذیب کردند آیات مارا، میرسیم بتدریج آنهارا از آنجاکه ندارند علم * ودهم مهلت

لَهُمْ أَنَّ كَيْدِي مَتِينٌ^{١٨٥} أَوَ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا يَصْلَحُونَ

آنها. یقیناً کید من است متین * آیا نمی کنند فکر که نیست صاحب آنها

مِنْ جِئْنَةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِي رَّمْبَيْنَ^{١٨٦} أَوَ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ

کدام دیوانه. نیست او إلا نذیر مبین * آیا نمی کنند نظر بر ملکوت

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ لَا وَآنُ عَسَىٰ

سماءات و زمین و آنچه خلق کرد الله از اشیاء و آنکه شاید

آنُ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فِيَّ حَلِّ بُثٍّ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ^(٨٥)

که باشد بس قریب اجل آنها. پس بکدام حدیث بعد آن میآورند ایمان *

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَّهَّبُونَ فِي طُغْيَانِهِمْ

هر کرا کند گمراه الله باز نیست هادی اورا. و میگذارد آنها را در طغيان آنها

يَعْهُونَ^{٦٦} يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَهَا قُلْ إِنَّمَا

سرگردان * میکنند سؤال ترا از آن ساعت "کی است فرا رسیدن آن". بگو یقیناً

عِلْمَهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُحَلِّيهَا وَقُتْهَا إِلَّا هُوَ شَفِّلَتُ فِي السَّمَاوَاتِ

علم آنست نزد ربم. ندهد تجلی آنرا بوقت آن الا او. ثقلی است بر سماوات

وَالْأَرْضُ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بُغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَاتِكَ حَفِيْشَ عَنْهَا

و زمین. نیاید بر شما الا ناگهان. سؤال میکنند از تو گویا توئی متجلس آن.

قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^(٦٨)

بگو یقیناً علم آنست نزد الله و لاکن اکثر مردم ندارند علم * بگو

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ

نیستم مالک بر نفس خود نفع را و نه ضرر را إلا آنچه خواهد الله. و اگر میداشتم

أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَا سُتُّكُثُرُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ وَلَا

علم بر غیب میآوردم کثرت در خیر. و نمیکرد مس بمن بدی.

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٦﴾ هُوَ الَّذِي

نيstem من إلا نذير و بشير بقوميکه دارند ایمان * اوست ذاتیکه

خَلَقَكُمْ مِنْ تُفْسِنْ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زُوْجَهَا لِيَسْكُنَ

خلق کرد شمارا از نفس واحد و ساخت ازوی زوجش را تا سکون کند

إِلَيْهَا قَلَّتَا تَغْشِيَّهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ حَفَّلَتَا

نژدش. وقتی آغوشش گیرد حمل گیرد، حمل خفیف، کندگردش با آن. وقتی

أَتَعْلَمُ دَعَوَا اللَّهَ رَبِّهِمَا لِئِنْ أَتَيْتَنَا صَالِحًا لَكُونَنَّا مِنَ

شود ثقيل دعا کند به الله رب خود: "اگر دھی بما صالح فرزندی می شویم از

الشَّرِّيْنِ^{١٨٩} فَلَمَّا آتَهُمَا صَالِحًا جَعَلَاهُ شَرَكَاءَ فِيمَا آتَهُمَا

شکر گزاران" * وقتی داد آنها صالح فرزندی بسازند به او شریکان از آنچه داد با آنها.

فَتَعْلَمَ اللَّهُ عَلَيْهَا يُشْرِكُونَ^{١٩٠} إِنَّهُمْ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ

بس عالی است الله از آنچه میگیرند شریک * آیا میگیرند شریک آنچه نمیتواند خلق کند شیء و خود

يُخْلِقُونَ^{١٩١} وَلَا يَسْتَطِعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ

شده اند خلق * و ندارند استطاعت تا برای آنها نصرت کنند و نه بنفسهای خود

يُنْصُرُونَ^{١٩٢} وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدًى لَا يَتَبَعُونَ

میتوانند نصرت * و اگر دعوت کنید آنها را بسوی هدایت نمیکنند متابعت بشما.

سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدْعُوكُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَاحِبُونَ^{١٩٣} إِنَّ اللَّهَ يُنْهِي

یکسان است برایشما اگر دعوت کنید آنها را یا شما بمانید خاموش * یقیناً آنانرا که

تَدْعُونَ مِنْ دُوْنِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَالَكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلَا يُسْتَجِيبُوا

میکنید دعا بجای الله عباد اند مثل شما، بکنید دعا به آنها تاکنند استجابت

لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَدِيقِينَ^{١٩٤} أَلَّهُمْ أَرْجُلٌ يُمْشِّيُونَ بِهَا نَأْمُرُ

بسما اگر هستید صادقین * آیا دارند پاها که میگردند باآن؟ آیا

لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِّشُونَ بِهَا نَأْمُرُ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا نَأْمُرُ

دارند دستها که میگیرند باآن؟ آیا دارند چشمها که میبینند باآن؟

أَمْ لَهُمْ أَذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ أَدْعُوا شَرَكَاءَ كُمْ نُحَمِّلُ كِيدُونٍ

آیا دارند گوشها که میشنوند باآن؟ بگو دعا کنید بشرکاء خود باز توطئه کنید

فَلَا تُنْظِرُونِ^{٩٥} إِنَّ وَلِيَتَهُ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَبَ هُوَ

و ندهید مهلت مرا * یقیناً ولی من است الله، آنکه نازل کرد کتاب را و اوست

يَتَوَلَّ الصَّالِحِينَ^{٩٦} وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

حمایت کننده صالحین * و کسانیراکه میکنید دعا ندارند تو ان بدون او

نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يُنْصِرُونَ^{٩٧} وَإِنْ تُهْوِمُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ

نصرت بسما و نه بنفسهای خود میتوانند نصرت کنند * و اگر دعا کنید آنهارا برای هدایت

لَا يَسْمَعُوا وَتَرَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبَصِّرُونَ^{٩٨}

* نمی شنوند. و می بینی آنهاراکه میکنند نظر بسویت مگر آنها نمی بینند

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجِهَلِينَ^{٩٩} وَإِمَّا

اختیار کن عفو را و کن امر بمعروف و کن اعراض از جاهلان *

يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَنِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ

کند مشوش ترا از شیطان تشویشی باز عیاذ کن به الله. یقیناً اوست سمیع

عَلَيْهِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقُوا إِذَا مَسَهُمْ طَبِعُونَ مِنَ الشَّيْطَنِ

علیم * یقیناً کسان با تقوا، وقتی میکند مس آنها را طائفه از شیطان،

تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْحَرُونَ ۝ وَإِخْوَانُهُمْ يَمْلُوذُهُمْ فِي

میشوند متذکر پس آنگاه میگردند بینا * و برادران آنها میکشاند آنها را بسوی

الْغَيْثِ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا الْمَرْتَأْتِهِمْ بِأَيْكَةٍ قَالُوا لَوْلَا

گمراهی باز نمیکنند کوتاهی * و وقتی نمی آری به آنها آیتی میگویند مگر چرانمی
اُجْتَبَيْتُهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَارَتُ

کنی انتخاب آنرا.^۱ بگو یقیناً میکنم متابعت آنچه میشود وحی برایم از ربم. اینست بصیرت

مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا

از رب شما و هدایت و رحمت بقومیکه دارند ایمان * و وقتی

۱) میگفتند اگر رسول برق هستی بیار برای ما معجزه که میخواهیم . (یا آیات را خودت ترکیب کن)

قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتِمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُو الْعَلَّامَ تُرْحَمُونَ^{٦٤}

* قرائت میشود قرآن بکنید استماع به آن و باشید خاموش تاکه بر شما شود رحم *

وَذُكْرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ

و ذکر کن رب را در نفس بتضرع و خوف و بدون جهر در

الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ^{٦٥} إِنَّ

كلام پگاه و بیگاه و نباش غافلین * یقیناً

الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلِسُجُونِهِ

کسان نزد رب تو نمیکنند تکبر از عبادت او و میگویند سبح اورا

وَلَهُ يَسْجُدُونَ^{۲۶۴}

و برای او میکنند سجده *